

## Claiming Damages for Annulment of Marriage due to Gharar from the Point of View of Economic Jurisprudence and Law

Shahla Zarei<sup>1</sup>, Maryam Ghanizadeh Bafghi<sup>2\*</sup>, Hossein Shafiei<sup>3</sup>

1. PhD student, Department of Private Law, Kharazmi University Campus, Tehran, Iran.

2. Assistant professor of private law department, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 147-162

Article history:

Received: 8 Apr 2023

Edition: 3 May 2023

Accepted: 9 Jul 2023

Published online: 23 Sep 2023

### Keywords:

Damage, annulment of marriage, marriage, material damage, spiritual damage.

### Corresponding Author:

Maryam Ghanizadeh Bafghi

### Address:

Iran, Tehran, Kharazmi University, Private Law Group.

### Orchid Code:

0000-0002-5768-8593

### Tel:

09122455534

### Email:

anizadebafghi@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Annulment of marriage is one of the important issues of family law, which has not been given much attention and the purpose of this article is to investigate the claim of damages for annulment of marriage due to Gharar.

**Materials and Methods:** This paper is descriptive and analytical using library method.

**Ethical Considerations:** In this paper, the originality of the text, honesty, and trustworthiness are respected.

**Results:** From a legal point of view, ignorance leads to the wrong basis of compensation for damages in marriage, which is one of the reasons for annulment of marriage. In marriage, the cheated party can annul the marriage with the help of the husband or wife. However, in jurisprudence books and hadiths, interpretations that are explicitly related to the damages caused by marriage are less visible. What the jurists have discussed more is the status of dowry in the case of marriage between husband and wife.

**Conclusion:** The resulting losses and damages related to tadlis in marriage are in two aspects, financial and spiritual, which can be claimed by the wife of the model. In the way of compensation for the damage, the moral of the court should determine the way of compensation and payment, considering all aspects of the case. In terms of material damage, the damage of all gifts and material costs can be claimed.

### Cite this article as:

Zarei SH, Ghanizadeh Bafghi A, Shafiei H. *Claiming Damages for Annulment of Marriage due to Gharar from the Point of View of Economic Jurisprudence and Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



### مطالبه خسارت فسخ نکاح ناشی از غرر از منظر فقه اقتصادی و حقوق

شهلا زرعی<sup>۱</sup>، مریم غنی زاده بافقی<sup>۲</sup>، حسین شفیع<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، پردیس دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** فسخ نکاح از موضوعات مهم حقوق خانواده است که بحث خسارت ناشی از آن چندان مورد توجه قرار نگرفته و هدف مقاله حاضر بررسی مطالبه خسارت فسخ نکاح ناشی از غرر است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** از منظر حقوقی، جهل منجر به غرر مبنای جبران خسارت در تدلیس است که از موجبات فسخ نکاح است. در نکاح هم با تدلیس زوج یا زوجه طرف فریب‌خورده می‌تواند نکاح را فسخ کند. اما در کتب فقهی و روایات، تعبیری که به صراحت در خصوص خسارات ناشی از تدلیس در نکاح باشد کمتر به چشم می‌خورد. آن چه فقها بیشتر به آن پرداخته‌اند وضعیت مهر در صورت تدلیس زوج یا زوجه می‌باشد.

**نتیجه:** ضرر و زیان‌های حاصله مربوط به تدلیس در نکاح به صورت دو جنبه مالی و معنوی بوده که توسط همسر مدلس قابلیت مطالبه را دارد. در طریقه جبران نسبت به خسارت، معنوی دادگاه با در نظر گرفتن جمیع جهات قضیه، نحوه جبران و پرداخت آن را معین کند. در خسارت مادی نیز خسارت همه هدایا و هزینه‌های مادی قابل مطالبه است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۷-۱۶۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

#### واژگان کلیدی:

خسارت، فسخ نکاح، تدلیس، خسارت مادی، خسارت معنوی

#### نویسنده مسئول:

مریم غنی زاده بافقی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه خوارزمی، گروه حقوق خصوصی

تلفن:

09122455534

کد ارکید:

0000-0002-5768-8593

پست الکترونیک:

m.ghanizadebafghi@yahoo.com

**۱. مقدمه**

فسخ نکاح به معنی انحلال عقد ازدواج است. براساس ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی عقد دائم ازدواج با طلاق یا فسخ منحل می‌شود. فسخ، تنها در صورتی اتفاق خواهد افتاد که بر اساس ماده قانونی عیبی در زن یا مرد وجود داشته باشد. علاوه بر عیوبی که ممکن است در زن یا فرد وجود داشته باشد تدلیس یا فریب در ازدواج نیز باعث فسخ خواهد شد. حق فسخ در تمام موارد فوری است یعنی به محض اطلاع از وضعیتی که از موجبات فسخ است باید بلافاصله به آن مبادرت ورزد در غیر این صورت حق، فسخ می‌شود و تشخیص امکان استفاده از خیار فسخ نکاح با عرف و عادت است. بحث جبران خسارت در فسخ نکاح از مسائل مهمی است که نیازمند بررسی فقهی و حقوقی است. زیرا با فسخ نکاح از سوی یکی از زوجین، طرف مقابل متحمل زیان‌های متعدد مادی و معنوی می‌شود که مطابق قاعده لاضرر و اصل مسئولیت مدنی باید جبران گردد. در خصوص فسخ نکاح پژوهش‌های متعددی انجام شده است: حسین‌نخعی و نادر مختاری افراکتی، در مقاله‌ای به بررسی عیوب فسخ نکاح از لحاظ حصری یا تمثیلی بودن در فقه امامیه و اهل سنت پرداخته‌اند (نخعی؛ مختاری افراکتی، ۱۳۹۶). محمد عربشاهی نیز در مقاله‌ای، امکان‌سنجی فسخ نکاح به علت برص زوج از دیدگاه فقه امامیه را بررسی کرده است (عربشاهی، ۱۴۰۰). هم چنین میثم سبحانی در مقاله‌ای، آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان را بررسی کرده است (سبحانی، ۱۴۰۰). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی این سؤال پرداخته شود که از منظر فقه و حقوقی مطالبه خسارت فسخ نکاح ناشی از غرر امکان‌پذیر هست؟ در صورت

امکان‌پذیر بودن روش‌های جبران خسارت چگونه است؟ نوآوری مقاله نیز بررسی همین موضوع است که به پرسش از مطالبه خسارت فسخ نکاح ناشی از غرر از منظر فقه اقتصادی و حقوق پرداخته است زیرا همان‌گونه که اشاره شد، با اینکه پژوهش‌های متعددی در زمینه فسخ نکاح صورت گرفته اما بحث خسارت از فسخ نکاح ناشی از غرر تا حد زیادی مهجور مانده است. به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا به بررسی مفاهیم فسخ نکاح، خسارت و غرر پرداخته شده، سپس قاعده غرر به عنوان مبنای تدلیس و فسخ نکاح تحلیل شده و در ادامه از جبران خسارات فسخ نکاح ناشی از غرر و تدلیس و روش‌های جبران خسارت بحث شده است.

**۲. مواد و روش‌ها**

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**۳. ملاحظات اخلاقی**

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**۴. یافته‌ها**

از منظر حقوقی، جهل منجر به غرر مبنای جبران خسارت در تدلیس است که از موجبات فسخ نکاح است. در نکاح هم با تدلیس زوج یا زوجه طرف فریب خورده می‌تواند نکاح را فسخ کند. اما در کتب فقهی و روایات، تعبیری که به صراحت در خصوص خسارات ناشی از تدلیس در نکاح باشد کمتر به چشم می‌خورد. آن چه فقها بیشتر به آن پرداخته‌اند وضعیت مهر در صورت تدلیس زوج یا زوجه می‌باشد.

## ۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱. فسخ نکاح

فسخ در لغت به معنای نقص، زایل‌گردیدن، تباه کردن و شکستن آمده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۴۲۹). و برخی نیز آن را به معنای رفع عقد به همان وصف و کیفیتی که بوده، بدون زیاده و نقصان، معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ۲۰۲). گرچه مشخصاً تعریفی از فسخ به دست نداده است اما از تعریف اقاله در ماده ۲۸۳ قانون مدنی که برهم زدن طرفین عقد را به تراضی تفاسخ نامیده است به خوبی مستفاد است که فسخ عبارت است از برهم زدن یک طرفه عقد بدون رضایت و حتی در پاره‌ای از موارد بدون اطلاع طرف دیگر آن. برخی از حقوقدانان نیز فسخ را این‌گونه تعریف می‌کنند: «فسخ عبارت است از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از دو طرف یا شخص ثالث» (شهیدی، ۱۳۷۰، ۱۱۹). فسخ انشاء یک طرفه انحلال قرارداد و تعهد می‌باشد و مانند ابراء نوعی ایقاع است، یعنی اینکه یک طرف به طور مستقل می‌تواند حق فسخ خود را اعمال نماید، بدون اینکه نیاز به رضایت طرف دیگر باشد به این عمل ایقاع گفته می‌شود.

مقصود از فسخ نکاح، قطع رابطه‌ی زوجیت است؛ در محلی که اقتضای ادامه داشته باشد. «فسخ نکاح تنها به اراده صاحب حق واقع می‌شود و نیازی به رضای طرفین ندارد یعنی در زمره‌ی ایقاعات است نه قراردادهای فسخ کننده باید اهمیت داشته باشد و به همین دلیل فسخ نکاح مجنون با ولی یا قیم اوست» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۷۶). به عبارتی منظور از فسخ نکاح این است که

زن یا شوهر نسبت به طرف دیگر یا خصوصیات وی در اشتباه بوده و چون از شرایط لازمه نکاح تراضی و توافق زوجین است و در این مورد که یکی از آن‌ها نسبت به طرف دیگر در اشتباه بوده و تصور باطلی از او در ذهن داشته مثلاً گمان می‌کرده که وی از سلامت کامل برخوردار بوده ولی بعداً متوجه شده که وی علیل و معیوب می‌باشد، در این صورت بعد از عقد حق فسخ نکاح و برهم زدن آن را دارد و این در صورتی است که نسبت به عیب یا نقصی که در طرف دیگر است هنگام عقد جاهل بوده است.

ماده‌ی ۱۲۰ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق، یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود». به نظر می‌رسد؛ فسخ نکاح طبق ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی شامل انحلال یا برهم خوردن نکاح به یکی از عوامل قانونی بدون دخالت زوج یا زوجه است. «این ماده سخنی از فوت نگفته ولی شک نیست که فوت یکی از زوجین نیز موجب فسخ نکاح است و شاید بدیهی بودن مطلب سبب شده است که قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۲۰ از آن یاد نکرده است. به‌رحال علل فسخ نکاح دائم فوت و فسخ نکاح و طلاق است. البته فوت و فسخ اختصاص به نکاح دائم ندارد و در دائم است» (صفایی؛ امامی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ۱۸۱). «فسخ در ماده‌ی ۱۱۲۰ شامل انفساخ یعنی برهم خوردن نکاح به یک علت قانونی بدون اراده‌ی زوج با زوجه نیز می‌شود. بنابراین لعان یا مرتدشدن انفساخ نکاح است مشمول ماده‌ی ۱۱۲۰ خواهد بود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۰۰).

عقد نکاح به فسخ یا بطلان یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود (ماده‌ی ۱۱۲۰ ق.م).

مادی یا معنوی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۳۰۱). یا به هر گونه کاهش در کمیت یا کیفیت مال زیان دیده، خسارت، گفته می‌شود» (شهیدی، ۱۳۸۶، ۶۸). معمولاً در بیان خسارت‌ها، خسارت را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌کنند و برخی از خسارت‌ها را واجد هم ضرر مادی و هم معنوی می‌شناسند. مانند زیان ناشی از صدمات وارده به جسم و جان و سلامت و حیثیت اشخاص که وقوع این گونه صدمات بدنی و حیثیتی هر دو ضرر را به بار می‌آورد.

خسارت عمدتاً به دو صورت قابل تصور است: الف) خسارت مادی: کاتوزیان در بیان مفهوم خسارت مادی می‌گوید: «هر آنچه از دست‌رفته قابل ارزیابی به پول باشد و صدمه به حقوق مالی برسد، ضرر مالی است» (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۳۰۱). امامی ضرر مادی را چنین تعریف می‌نماید: «ضرر مادی و آن زبانی است که قابل تقویم به پول باشد. منشأ ضرر مادی بر دو نوع است الف: ضرر مالی، ضرر به جان یا سلامتی؛ ضرر مالی که نوعاً تلف مال است یا ناقص و معیوب کردن مال است مانند ایجاد حریق در منزل یا کارخانه، تصادف اتومبیل و امثال آن این‌گونه زیان را می‌توان به سهولت تقویم کرد. ب) ضرر به جان یا سلامتی که عبارت است از ضرر ناشی از فوت، جرح، نقص عضو، بیماری و سلب منفعت می‌باشد» (امامی، ۱۳۸۷، ج ۵، ۵۷۸). خسارت مادی به معنای خساراتی است که قابل تقویم به پول باشند. در صورت تحقق تدلیس: برای فریب خورده امکان مطالبه‌ی تمامی خسارات مادی از قبیل مهر، هزینه‌های جشن عروسی و هدایای داده شده و... وجود دارد و می‌تواند در این خصوص به یکی از زوجین یا شخص ثالث مراجعه نماید اعم از اینکه از حق فسخ استفاده کنید و یا اینکه نکاح را باقی

این ماده در مورد نکاح منقطع ناقص است زیرا نکاح منقطع مدت از راه سپری شدن مدت هم منحل می‌شود و خود قانون‌گذار این مطلب را در ماده‌ی ۱۱۳۹ و ۱۱۵۲ ق.م بیان کرده است. شاید لغت فسخ اختصاص به قطع رابطه زوجیت داشته باشد که رابطه را در نیمه‌ی راه قطع می‌کند. اما با پایان مدت منحل می‌گردد، صحیح نیست، زیرا در عقد مدت‌دار و منقطع زوجیت از اول محدود بوده و پس از انقضای مدت دیگر زوجیتی وجود ندارد تا منحل گردد (محقق داماد، ۱۳۷۲، ج ۴، ۳۳۸).

با بررسی نظر حقوق‌دانان در مورد فسخ نکاح می‌توان به این نتیجه رسید که برخی از علل فسخ نکاح مختص به نکاح دائم و برخی از علل فسخ نکاح بین دو نوع نکاح، مشترک می‌باشند علل فسخ نکاح که مشترک بین نکاح دائم و منقطع می‌باشد عبارت‌اند از: ۱- فوت ۲- فسخ ۳- انفساخ. بنابراین با ذکر مراتب مذکور در ماده‌ی ۱۱۲۰ قانون مدنی یک خطا مشاهده می‌شود زیرا این ماده فسخ و طلاق را اختصاص به نکاح دائم داده است.

## ۵-۲. خسارت

فرهنگ فارسی معین (معین، ۱۴۱۹، ۱۳۴۹)، خسارت را چنین تعریف کرده است: «زیان کاری، زیان‌مندی». تعریف خسارت در فرهنگ زبان فارسی (مشیری، ۱۳۷۸، ۴۰۳)، چنین آمده است: خسارت (۱) ضرر کردن و زیان بردن (۲) زیان کاری و زیان‌مندی (۳) زیان و ضرر. در لغت‌نامه دهخدا از خسارت چنین تعریف شده (دهخدا، ۱۳۷۴، ۵۲۳). زیان، ضرر. در کل خسارت در لغت به معنی زیان، غرامت و ضرر است (ابن منظور، ۱۲۳، ۱۳۶۳). «در اصلاح علم حقوق خسارت عبارت از هر نوع ضرر و زبانی که موجب از بین رفتن حق فرد اعم از

### ۵-۳. غرر

واژه غرر از نظر لغوی به معنای خطر (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ۷۶۸)، «در معرض هلاکت افتادن» (الخوری الشرتوتی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۴۳)، «آنچه بین سلامت و هلاکتش تردید باشد» (عبدالرحمان، ۱۴۰۱، ج ۱، ۴۱۰)، «چیزی که پایان و عاقبتش نامعلوم باشد» (عبدالرحمان، ۱۴۰۱، ج ۱، ۴۱۰)، خدعه و فریب خوردن (صدر، ۱۴۲۰، ج ۹، ۲۷۸)، آمده است. علامه راغب اصفهانی گفته است: «غرور هر آن چیزی است که انسان را فریب دهد از مال، جاه، شهوت و شیطان گاهی آن را شیطان تفسیر کرده‌اند. که اخبث فریبکاران است» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۶۰۴). ابن سکیت غرور را این گونه معنا می‌کند: «غرور چیزی است که ظاهر جالب و دوست‌داشتنی دارد ولی باطنش ناخوشایند و مجهول و تاریک است. و آیه شریفه متاع الغرور در توصیف (دنیا) به همین معناست» (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳، ۴۲۱). در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم بعد از نقل کلمات ارباب لغت در معنای غرور چنین آمده است: «ریشه اصلی این واژه به معنی حصول غفلت به سبب تأثیر چیز دیگر در انسان است و از لوازم و آثار آن جهل و فریب و نیرنگ و نقصان و شکست و... می‌باشد» (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۷، ۲۰۷). در لغت‌نامه دهخدا آمده که غرور در لغت به معنای فریب خوردن و فریفته شدن و گول خوردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ۱۴۶).

غرور در اصطلاح فقهی عبارت است از صدور فعل عنه أوجب الضرر علیه بواسطة انخداعه عن آخر و لو لم یکن ذلک الآخر قاصداً لانخداعه بل هو أيضاً کان مخدوعاً أو کان جاهلاً و مشتبهاً (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۲۶۹). هرگاه از شخصی عملی صادر شود که موجب ضرر و زیانش شود و

بگذارد. معیار تحقیق این خسارت نیز مقدار ضرر و زیانی است که مدلس برای شخص فریب خورده ایجاد نموده است.

ب) خسارت معنوی: خسارت معنوی عبارت است از «کسر حیثیت اعتبار اشخاص یا صدمات روحی». عدم جبران زیان‌های معنوی باعث افزایش صدمات وارده به این اشخاص می‌شود. بدین ترتیب جبران لطمه‌هایی که به روان و حیثیت و اعتبار اشخاص وارد می‌شود، لازمه‌ی جبران کامل خسارت است. گاهی مواقع سرمایه‌ی معنوی از دست رفته به مراتب مهم‌تر از تلف مال یا محروم ماندن از منافع مورد انتظار می‌باشد بدین ترتیب در دنیای کنونی اهمیت زیان‌های معنوی کمتر از ضررهای مادی نیست و نمی‌توان آن‌ها را بدون جبران باقی گذاشت به همین دلیل هم در مواد ۱ و ۲ ق.م.م. زیان معنوی نیز در کنار زیان‌های مادی قابل مطالبه شناخته شده است (ولیدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۵۶). در حقوق ایران چنانچه در اثر تقصیر فردی به دیگر خسارتی وارد شود. به موجب قواعد مسئولیت مدنی زیان دیده می‌تواند خسارت مادی و معنوی خود را مطالبه کند (خدادادپور، ۱۳۸۸، ۲۸۲). طبق ماده‌ی ۱. ق.م.م. «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی به احتیاطی بی‌جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که به موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». در فرض بحث ما هم به خاطر عمل تدلیس آمیز و آگاهانه‌ی یکی از زوجین به طرف دیگر صدمه‌ای وارد شده و بر اثر آن زیان دیده علاوه بر فسخ نکاح می‌تواند از مدلس خسارات وارده را هم بخواهد.

عامل ضرر و زیان فریب خوردن از دیگری باشد هرچند که دیگری قصد فریب دادن آن کس را نداشته، باشد، و خود او نیز فریب‌خورده یا جاهل یا در اشتباه بوده باشد. و یا تعریف دیگر اینکه هرگاه کسی دیگری را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مال او گردد، باید از عهده ضرر شخص فریب‌خورده برآید (شهابی خراسانی، ۹۳، ۱۳۲۶).

«در معنای، غرر بر یک معنا مطابق و هماهنگ است و آن این‌که غرر اسم مصدر از تغریر است و تغریر به معنای در معرض هلاکت قرار گرفتن و غرر به معنای خطر است و خطر به معنای مصدري، آن در شرف هلاکت واقع شدن است و مخاطره که از خطر مشتق شده عبارت است از اقدام و ارتکاب چیزی که در آن خطر و هلاکت است یعنی احتمال راجح یا مساوی در وقوع تلف و تباه شدن امری است لغویان همگی تصریح کرده‌اند که غرر عبارت است از کاری که در آن احتمال راجح یا مساوی در مورد وقوع هلاکت و تلف است» (نراقی، ۱۴۱۷، ۸۸-۸۹). علاوه بر معانی ذکر شده: «همه متفق‌اند در این‌که جهالت در مفهوم غرر مندرج است» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ۱۷۸). در کل بر اساس آنچه گفته شد، غرر عبارت است از معامله‌ای که به جهتی از جهات، نتیجه و پایان آن برای طرفین معامله یا یکی از آن‌ها مجهول باشد و در نتیجه احتمال ضرر و زیان وجود داشته باشد.

#### ۴-۵. غرر مبنای تدلیس و فسخ نکاح و مطالبه خسارت

در صورت وجود یکی از موجبات فسخ نکاح هر یک از زوجین که حق فسخ برای اوست می‌تواند نکاح را بدون هیچ تشریفاتی فسخ کند. زن یا شوهر در صورت وجود یکی از موجبات فسخ نکاح

این حق را دارد که نکاح را فسخ کند و آن به هر لفظ یا عملی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود و رعایت ترتیبات و تشریفاتی که در طلاق مقرر است در فسخ شرط نیست. اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع، به هر علت نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به فسخ و فوریت آن داشته باشد. کسی که دارای حق فسخ است باید اراده خود را به گونه‌ای اعلام کند. هرگاه از شخصی کلامی یا عملی صادر گردد که موجب زیان و ضرر دیگری شود، مثلاً شخصی ملک دیگری را به عنوان مال خود بفروشد و یا عاریه دهد و این زیان وارده به واسطه فریب خوردن از او باشد هرچند که او قصد فریب دادن آن شخص را نداشته باشد و خود نیز فریب‌خورده یا جاهل و نادان و یا در اشتباه بوده، باشد در این صورت شخص نخست به موجب این قاعده ضامن و باید از عهده خسارت وارده برآید شخص اول را غار(فریب دهنده) و شخص دوم است «مغرور» (فریب خورده) و این قاعده را قاعده غرور می‌گویند. در تحقق غرور جهل مغرور به واقع شرط می‌باشد و بین عمل غار و ضرر مغرور، رابطه علیت وجود داشته باشد. بنابراین اگر معلوم شود که منشأ ضرر مغرور امور دیگری غیر از عمل غار بوده و اقدام و عمل او اثری در جهل مغرور نداشته است نمی‌توان آن شخص را ضامن دانست. ابن ادریس در «سرائر» می‌گوید: «بیع مجهول حتی با ضمیمه چیز معلوم، باطل است و در مورد اخباری که بر صحت بیع مجهول با ضمیمه دلالت دارند، می‌گوید: «اخبار شادند» و نتیجه‌گیری می‌کند که «از ظاهر و گاهی صراحت عبارت فقها برمی‌آید که جهل در معامله مستقلاً موجب فساد عقد است» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۳۲۲). در قانون مدنی ایران نامی از خیار تدلیس برده نشده

است؛ اما بعضی از استادان حقوق از مفاد ماده «۱۱۸۲، قانون مدنی» که ناظر بر حکم تخلف از شرط صفت است، وجود خیار تدلیس را برای همسر فریب‌خورده استنباط کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ۲۸۴). شاید قانون‌گذار به این دلیل از خیار تدلیس نام نبرده است که خیار تخلف از شرط صفات تمام آثار عملی آن را دارد. در هر حال تدلیس از موجبات فسخ نکاح است.

ارتباط غرر با فسخ نکاح ناشی از عنصر جهل است. قاعده غرور منحصر در باب خاصی نیست و در موارد مختلف از ابواب فقه از جمله غصب، بیع فضولی، ضمان نکاح کاربرد دارد. از جمله مواردی که قاعده غرور و تدلیس تقارن زیادی پیدا می‌کنند، نکاح است. بنابراین قاعده غرور را می‌توان مبنای ضمان مدّلس دانست (طوسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۷۳). طبق قاعده غرور، مدّلس می‌تواند به مدّلس (فریب‌خورده) مراجعه کرده و خسارت و زیان وارده را از وی مطالبه نماید. قاعده غرور صرفاً می‌تواند مبنای مسئولیت تدلیس‌کننده در جبران خسارت وارده به مدّلس باشد (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۱۰۱). به عبارت دیگر، دایره شمول قاعده غرور محدود بر این است که مغرور می‌تواند برای جبران خسارت وارده به غار مراجعه کند و این قاعده دیگر نمی‌تواند مبنای ایجاد خیار فسخ برای مغرور باشد.

«در مواردی که فسخ نکاح در اثر تدلیس در عیوب یا تخلف از شرط صورت گیرد، فریب‌خورده می‌تواند علاوه بر فسخ نکاح که مجازات مدنی تدلیس‌کننده است، به واسطه ضرری که بدین جهت به وی وارد شده است، خواه خسارت معنوی و خواه خسارات مادی که من جمله آن‌ها مهر پرداختی است را از تدلیس‌کننده بگیرد» (عمید

زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۳۹۵). چراکه مدّلس مسئول خسارات واژه به مدّلس می‌باشد، «اعم از اینکه تدلیس‌کننده یکی از زوجین و یا شخص ثالث باشد. مانند آنکه پدر دختر یا شخص دیگری وجود اوصافی را در دختر برای زوج بیان کند و شوهر به اعتماد وجود آن اوصاف با دختر ازدواج نماید. مثلاً پدر دختر یا شخص دیگر که واسطه در نامزدی است به شوهر بگوید که زن دارای معلومات عالییه یا دارائی زیادی دارد و مرد به اعتبار آن اوصاف اقدام به نکاح با او کند و پس از نزدیکی معلوم گردد که زوجه فاقد اوصاف مزبور است» (صفایی؛ امامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۱۶-۲۱۷). کسی که باعث فریب و تدلیس شده است باید خسارات فریب‌خورده من جمله مهر پرداختی به زوجه را به وی «زوج» بپردازد و همان‌طوری که در بالا بیان نمودیم در مسئولیت کسی که موجب فریب شده است فرقی نمی‌کند که خود زوجه باشد یا شخص ثالث. زیرا حکم طبق قاعده تسبیب مذکور در ماده ۳۳۱ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قاعده فقهی غرور (المغرور یرجع الی من غره) می‌باشد و هم‌چنین در این مسئله بین فقها (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۱۲۷؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۳۷؛ نراقی، ۱۴۱۷، ۹۳) اجماع وجود دارد. مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹: «در مواردی که فسخ نکاح در اثر جهل و تدلیس در عیوب یا تخلف از شرط صفت صورت گیرد، فریب‌خورده می‌تواند علاوه بر فسخ نکاح که مجازات مدنی تدلیس‌کننده است به واسطه ضرری که بدین جهت به وی وارد شده است خواه خسارت معنوی و خواه خسارات مادی که من جمله آن‌ها مهر پرداختی است را از تدلیس‌کننده بگیرد» چرا که مدلس مسئول خسارات وارده به مدلس می‌باشد،



که به اموال و دارائی شخص وارد می‌گردد (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ۳۴۶)، و ممکن است به واسطه از بین رفتن مال و یا فوت منفعت باشد. اشاره شد منظور از خسارات، مادی خساراتی هستند که قابل تقویم به پول می‌باشند. بنابراین «در صورت تدلیس، فریب‌خورده می‌تواند تمام خسارات مادی از جمله، مهر، هزینه‌های مراسم عروسی، هدایای اعطایی و... را از مدلس اعم از اینکه یکی از زوجین باشد یا شخص ثالث، مطالبه نماید» چه از حق خیار فسخ استفاده نموده و نکاح را فسخ نماید و چه از این حق استفاده ننموده و نکاح را باقی بگذارد و یا اینکه باوجود تدلیس حق فسخ را نداشته باشد در نتیجه معیار تعیین خسارات میزان ضرری است که مدلس با اعمال متقلبانه برای فریب خورده به بار آورده است.

سؤالی که در خسارات مادی ممکن است مطرح شود این است که آیا باید میزان مهرالمثل را از جمیع زیان‌های مرد کاست؟ قانون مدنی در این باب حکمی ندارد و بین حقوقدانان در این مسئله دو نظر وجود دارد: (۱) بعضی از حقوقدانان با نظریه مطالبه مهر پرداختی از اغراء، کننده در صورتی که نزدیکی به عمل آمده باشد مخالفت نموده و برآنند که چنانچه زوج مهر پرداختی را از اغراء کننده بتواند دریافت دارد، تمتعی که او در اثر نزدیکی با زن برخوردار شده است بی‌عوض خواهد ماند با آنکه روایات عدیده آن را بدون عوض نگذارده‌اند و معتقدند که «هرگاه مهر المسمی پرداختی از طرف شوهر به زن بیش از مهرالمثل آن زن باشد آنچه به مقدار مهرالمثل است بر عهده شوهر می‌باشد و اضافه مهرالمثل را از اغراء کننده به عنوان خسارت مطالبه خواهد نمود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ۲۱۵). (۲) برخی دیگر از

اعم از اینکه تدلیس‌کننده یکی از زوجین و یا شخص ثالث باشد. مانند آن که پدر دختر یا شخص دیگری وجود اوصافی را در دختر برای شوهر بیان کند و شوهر به اعتماد وجود آن اوصاف با دختر ازدواج نماید. مثلاً پدر دختر یا شخص دیگر که واسطه در نامزدی است به شوهر بگوید که زن دارای معلومات عالییه یا دارائی زیادی دارد و مرد به اعتبار آن اوصاف اقدام به نکاح با او کند و پس از نزدیکی معلوم گردد که زوجه فاقد اوصاف مزبور است کسی که باعث فریب و تدلیس شده است باید خسارات فریب خورده من جمله مهر پرداختی به زوجه را به وی (زوج) بپردازد. مدلس ضامن تمام خسارات وارده بر مدلس اعم از خسارات مادی و خسارات معنوی می‌باشد. شایسته است دادگاه‌ها در خصوص مسئولیت مدنی افرادی که عمداً موجبات فسخ نکاح را فراهم می‌آورند و با احساسات و عواطف طرف مقابل خود بازی می‌کنند برخورد جدی‌تری نمایند و مطمئناً بالا بودن میزان مسئولیت مدنی برای شخص مدلس و مقصر چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی نقش موثر و بازدارنده‌ای در این خصوص خواهد داشت.

## ۵-۵. طرق جبران خسارت

جبران خسارت فسخ نکاح به دو صورت امکان پذیر است:

### ۵-۵-۱. جبران خسارت مادی

خسارات مادی در مورد خسارات مادی قانون تعریفی از ضرر و زیان مادی ننموده است. شاید این عدم تعریف مقنن ناشی از روشن بودن موضوع و این که بتوان به سادگی افراد و امثال آن را تشخیص داد، بوده است (آخوندی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۲۴۰). در تعریف آن می‌توان گفت زیانی است

فقها: «چون نزدیکی واقع شده کمترین چیزی که می‌تواند مهر قرار گیرد و به عبارت دیگر کمترین چیزی که عنوان مال بر آن صدق می‌کند به زن داده می‌شود و بقیه به شوهر بر می‌گردد. این قول که قول مشهور فقهای امامیه می‌باشد مبنی بر این استدلال است که وطی محترم نباید بدون مهر باشد و از طرفی نص در مورد رجوع به مدلس وارد شده، باید آن را نیز رعایت کرده و عدم رجوع به مدلس در همه خسارات، خلاف اصل است و باید در اجرای آن به قدر متیقن اکتفا کرد و آن رجوع به همه خسارات مگر اقل مهر است به عبارت دیگر آن چه به یقین از روایت برمی‌آید حق رجوع شوهر به زن تدلیس کننده برای پس گرفتن مهرالمسمی است به استثنای آن چه می‌توان حداقل مهر باشد که این مقدار به لحاظ وقوع نزدیکی از آن زن خواهد بود» (شهادتانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ۳۹۵).

اگر مدلس غیر از زوجه باشد و بدون اطلاع زوجه زوج را فریب دهد شکی نیست که زوج به مدلس جهت مطالبه خسارت رجوع می‌کند فرقی نمی‌کند که مدلس یکی باشد یا متعدد. مستنبط از ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی «در صورتی که چند نفر در فریب دادن مرد دخالت داشته باشند از نظر، اصول همه در برابر او مسئولیت تضامنی دارند ولی در تقسیم مسئولیت بین آنان میزان مسئولیت هریک از آنان، با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد» (امامی، ۱۳۷۳، ج ۴، ۴۱۵-۴۱۶) روش دیگر این است که مسئولیت به‌طور تساوی بین مسئولان تقسیم شود. اما اگر مزوج تزویج کننده عالم به عیب و نقص و یا عدم وجود صفت کمال نباشد، زوج حق رجوع به مدلس را ندارد، به دلیل عدم صدق تدلیس.

حقوقدانان نیز معتقدند که «با وجود اینکه با تحقق نزدیکی، زن مستحق تمام مهر می‌شود لیکن از آنجا که پرداخت مهر برای آن بوده که شوهر زنی فاقد نقص یا واجد صفت کمالی که مورد نظر او بوده داشته باشد پس از فسخ نکاح به علت، تدلیس شوهر می‌تواند به عنوان خسارت مهری را که به زن داده است پس بگیرد و یا اگر نداده است از پرداخت آن (بنا بر قاعده تهاتر)<sup>۱</sup> خودداری کند» (صفایی؛ امامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۱۶-۲۱۷).

کاتوزیان در این رابطه می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که چون مرد به خاطر ادامه زناشویی حاضر شده است که مهر را بر عهده بگیرد پس آن چه را که از این بابت می‌پردازد زبانی است که در اثر تدلیس متحمل شده و می‌تواند از تدلیس کننده بگیرد. مهر را نباید عوض و بهای تمتع جنسی از زن دانست و رابطه معنوی زن و شوهر را با معاملات قیاس کرد. بیم از ضرر زن نیز نظر مخالف را تأیید نمی‌کند، زیرا در تدلیس یا زن به طور مستقیم مرد را مغرور به داشتن صفات علاقه او کرده یا از اعمالی خدعه آمیز دیگران به عمد بهره برداری کرده است یعنی خود باعث ورود این ضرر شده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ۲۸۹-۲۹۰).

بین فقها نیز در این مسئله دو دیدگاه وجود دارد: (۱) از دید برخی از فقها: «شوهر می‌تواند به عنوان خسارت تمام مهری را که به زن داده است بگیرد و چیزی از آن استثناء نمی‌شود حتی اصل مهر به خاطر عمل به ظاهر نصوص» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ۲۹۶). (۲) از دید برخی دیگر از

<sup>۱</sup> - در قانون مدنی از تهاتر تعریف نشده اما تهاتر دو تعهد متقابل از وجه نقد یا اشیاء مثلی (مانند گندم) و هم‌جنس به مقدار متساوی است که به موجب قرارداد تهاتر (قراردادی یا قانون تهاتر) (قانونی یا حکم دادگاه (تهاتر قضائی) ساقط می‌شوند.

## ۵-۲-۵. جبران خسارت معنوی

پیش‌تر اشاره شد که منظور از خسارت معنوی «کسر حیثیت اعتبار اشخاص یا صدمات روحی» است. «روش‌های متداول جبران خسارت معنوی براساس متون قانونی موجود بدین شرح است: (۱) موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر. (۲) عذرخواهی شفاهی از خسارت‌دیده. (۳) عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتداز در جراید. (۴) اعاده حیثیت از خسارت‌دیده به هر نحو دیگر. (۵) پرداخت مال یا ما بازاء مادی به خسارت‌دیده» (مینا و یاسینی‌پور، ۱۴۰۱، ۲۶۵) «از میان شیوه‌های فوق در متون قانونی به مورد نخست کمتر اشاره شده است. تنها در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به این شیوه توجه شده است، از عبارت ماده چنین استنباط می‌گردد که قانون‌گذار در مقام بیان روش مناسب جبران خسارت وارده به اعتبارات و حیثیات تجاری یا حرفه‌ای می‌باشد» (صالحی و افشاری، ۱۳۹۵، ۷۲).

«در زمان‌های گذشته ضرر و زیان معنوی را غیر قابل جبران دانسته و به همین دلیل دادگاه‌ها حکم به جبران ضرر و زیان معنوی صادر نمی‌کردند حقوقدانان و قضات بر این عقیده بودند که کسر اعتبار و حیثیت و صدمات روحی قابل تقویم به پول نبوده و در نتیجه قابل جبران نیست» (آخوندی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۲۴۰). به علاوه از آنجا که ضرر و زیان وارده جنبه معنوی دارد، قاضی چگونه می‌تواند میزان آن را تعیین کند و فرد مسئول را به جبران آن محکوم نماید بنابراین لزوم جبران صرفاً در ضرر و زیان‌های مادی مفهوم پیدا کرده و زیان‌های معنوی قابل جبران نخواهد بود هم چنین به نظر حقوقدانان سابق پرداخت مبلغی پول هرچند زیاد در حق مجنی علیه، نه تنها آرام بخش تألمات روحی او نبوده و اعتبار و

حیثیت از دست‌رفته او را جبران نخواهد کرد (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ۳۴۹). بلکه یک نوع توهین به شخصیت وی است برای اینکه او در مقابل حیثیت و آبروی خود پول دریافت کرده و با این عمل ناشایست ارزش و معنویت خود را از دست می‌دهد (آخوندی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۲۴۱). باگذشت زمان این طرز تفکر و اندیشه دچار تحول شده و حقوقدانان به این نکته متوجه شدند که جبران خسارت معنوی به وسیله دادن مبلغی پول هرچند به صورت، کامل اعاده حیثیت و اعتبار فرد زیان‌دیده را نمی‌کند ولی تا اندازه‌ای ضررهای معنوی را جبران می‌کند (ولیدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۵۶). به همان نحو که در امور مادی با پول می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا نمود تأمین خرسندی‌های معنوی نیز امکان‌پذیر است، این خرسندی‌ها قادر به از بین بردن تأثر و اندوه عاطفی نبوده بلکه همین قدر که دردهای روحی را تسکین بدهد کافی خواهد بود به عبارت دیگر پولی که از این جهت داده می‌شود جبران‌کننده نبوده بلکه خشنودکننده است (آخوندی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۲۴۱). عدم جبران ضرر و زیان معنوی، سبب افزایش این نوع ضررها شده و حیثیت و اعتبار، افراد سخت در مخاطره قرار خواهد گرفت، به خصوص در دنیای امروز ارزش و اهمیت ضررهای معنوی گاهی به مراتب بیشتر از زیان‌های مادی است و نمی‌توان ضرر و زیان معنوی را نادیده گرفته و حیثیت و اعتبار افراد را بدون دفاع گذاشت (ولیدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۵۶). بنابراین در صورتی که به لحاظ وقوع فسخ نکاح به موقعیت و شخصیت اجتماعی شخص فریب خورده لطمه وارد گردد، در این صورت فریب خورده می‌تواند ضمن مطالبه خسارت مادی از مدّس به استناد

که اشاره شد در بسیاری از موارد که صدمات روحی و عاطفی شدید است کمتر می‌توان با عذرخواهی شفاهی یا کتبی رنج و آلام و صدمات روحی خسارت‌دیده را التیام بخشید و چه بسا تأثیر چندانی بر جراحات درونی‌اش نگذارد. مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرائی کیفری نیز صرفاً برای حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق عمومی است در حالی که خسارات معنوی امری خصوصی بوده و پیش‌بینی شیوه‌های جبران آن به منظور ترمیم خسارات شخصی زیان‌دیده می‌باشد» (مینا و یاسینی‌پور، ۱۴۰۱، ۲۶۹). بر اساس ماده‌ی ۱۰ ق.م.م بدین صورت است که «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». این ماده به‌صورت عام بوده و خسارت معنوی ناشی از تدلیس در نکاح را نیز در برمی‌گیرد. ماده‌ی مذکور امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی و راه‌های جبران آن را به صورت تمثیلی بیان نموده است. و انتخاب راه جبران این نوع خسارت به عهده‌ی قاضی دادگاه گذاشته شده است. هم‌چنین آمدن- عبارت و امثال آن در این ماده دست قاضی را در جبران خسارت معنوی از طرق دیگر باز گذاشته است. بنابراین امکان جبران آن از طریق پرداخت مبلغی پول نیز امکان دارد. ماده‌ی ۳ قانون مسئولیت مدنی در خصوص نحوه جبران خسارت معنوی مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال

مواد ۱ و ۳ قانون مسئولیت مدنی،<sup>۱</sup> مطالبه خسارت معنوی نماید و دادگاه جهت تقویم خسارات معنوی وارده به، مدلس می‌تواند از نظر روان‌پزشکان روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی و غیره استفاده نموده و آن‌ها نیز با لحاظ محل زندگی زیان‌دیده وضعیت خانوادگی و موقعیت- اجتماعی وی و غیره میزان خسارت را با صدور نظریه‌ای اعلام نمایند. در صورتی که به اعتقاد دادگاه نظریه آن‌ها با اوضاع و احوال مسلم قضیه مطابقت، نماید به استناد نظریه آن‌ها، حکم به محکومیت مدلس به پرداخت خسارت معنوی صادر نموده و در ضمن رأی صادره، میزان ضرر و طریقه و کیفیت جبران ضرر را نیز معین خواهد کرد.

با گذشت زمان مشخص شد جبران خسارت معنوی به‌وسیله دادن مبلغی پول هرچند به‌صورت کامل اعاده حیثیت و اعتبار فرد زیان‌دیده را نمی‌کند ولی تا اندازه‌ای ضررهای معنوی را جبران می‌کند به همان نحو که در امور مادی با پول، می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا نمود تأمین خرد سندی‌های معنوی نیز امکان‌پذیر است.

در شرایط کنونی «مؤثرترین وسیله ممکن جهت جبران خسارات معنوی مورد پنجم یعنی پرداخت مال یا مابازاء مادی، دیده است. زیرا همان طور

<sup>۱</sup> - ماده ۱: قبلاً ذکر شد ماده ۲ در "موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده باشد دادگاه از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۳: دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به‌صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید

خسارات وارده پذیرفته شده است. ضمان خسارات اعم است از خسارات مادی و معنوی. خسارات مادی من جمله پرداخت هدایای اعطایی و هزینه‌های جشن عروسی می‌باشد. در رجوع زوج فریب خورده به مهر پرداختی در صورت وقوع نزدیکی با زن اگر تدلیس از سوی زوجه باشد، کمترین چیزی که می‌تواند مهر قرار گیرد به زن تعلق می‌گیرد و بقیه به زوج برگردانده می‌شود ولی اگر مدلس شخص ثالث یا ولی زوجه باشد، برای زن مهرالمسمی است و زوج به مدلس رجوع می‌کند. هر چند که قانون مدنی در خصوص لزوم جبران ضرر معنوی ساکت بوده اما باید گفت که مدلس علاوه بر خسارات مادی، ضامن خسارات معنوی نیز می‌باشد و در تعیین خسارات معنوی همه صدمات و لذت‌های روحی و جسمی را باید به حساب آورد و دادگاه بایستی با ملاحظه تمام اوضاع و احوال قضیه به استناد ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی میزان و طریقه آن را معین نماید.

#### ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید». جبران خسارت معنوی به وسیله دادن مبلغی پول هر چند به صورت کامل اعاده حیثیت و اعتبار فرد زیان دیده را نمی‌کند ولی تا اندازه‌ای ضررهای معنوی را جبران می‌کند به همان نحو که در امور مادی با پول، می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا نمود تأمین خردسندی های معنوی نیز امکان پذیر است.

#### ۶. نتیجه

از جمله مواردی که قاعده غرور و تدلیس تقارن زیادی پیدا می‌کنند، نکاح است با توجه به تعریف تدلیس و غرور در هر دو فریب دادن و فریب خوردن وجود دارد. معنای تدلیس و غرور نزدیک به هم است و راجع به نکاح نیز اشاره به فریب و خدعه شده است. مبنای دو قاعده یکی است، زیرا ضمان مدلس و رجوع مغرور به غار، برای این است که خسارت وارد شده به فریب خورده جبران شود. بنابراین قاعده غرور را می‌توان مبنای ضمان مدلس دانست. طبق قاعده غرور مدلس می‌تواند به مدلس مراجعه کرده و خسارت و زیان وارده را از وی مطالبه نماید قاعده غرور صرفاً می‌تواند مبنای مسئولیت تدلیس کننده در جبران خسارت وارده به مدلس باشد نه خیار فسخ عقد. به عبارت دیگر دایره شمول قاعده غرور محدود بر این است که مغرور می‌تواند برای جبران خسارت وارده به غار مراجعه کند و این قاعده دیگر نمی‌تواند مبنای ایجاد خیار فسخ برای مغرور باشد.

مطابق قاعده غرر، چنانچه جهل در عقد نکاح همراه با تدلیس باشد، ضمان مدلس نسبت به

منابع  
فارسی

- مشکلات جنسی، اندیشمندان حقوق، شماره ۸، بهار ۱۳۹۵.
- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات واجد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- صفایی، حسین؛ امامی، اسد اله، حقوق خانواده، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی خانواده، جلد چهارم، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- عربشاهی، محمد، «امکان سنجی فسخ نکاح به علت برص زوج از دیدگاه فقه امامیه»، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره هفتاد و پنجم، ۱۴۰۰.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر شرکت انتشار، ۱۳۷۱.
- خدادادپور، منیره، مسئولیت مدنی در روابط زوجین (مطالعه تطبیقی در برخی از کشورهای اروپایی و اسلامی)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز امور و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (ایقاع)، چاپ اول، تهران، موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۰.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات بهمن برنا، ۱۳۸۲.
- سبحانی، میثم، «آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان»، مجله تمدن حقوقی، شماره نهم، ۱۴۰۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی، حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲.
- شهابی خراسانی، میرزا محمود، قواعد فقه، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۶.
- مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- مهدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- موسوی خمینی، سید روح اله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ اول، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۷۰.
- مینا، محبوبه و یاسینی‌نیا، هاجر؛ جبران خسارت ناشی از فسخ نکاح بر زوجه،

- پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۱.
- نخعی، حسین؛ مختاری افراکتی، نادر، «بررسی عیوب فسخ نکاح از لحاظ حصری یا تمثیلی بودن در فقه امامیه و اهل سنت»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره اول و سوم، ۱۳۹۶.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
- عربی**
- ابن ادريس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، قم، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳.
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، جلد چهارم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، جلد اول، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، جلد دوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۸.
- الخوری الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، جلد دوم، بیروت، مؤسسه دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، مفردات الفاظ القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، القواعد و الفوائد، جلد دوم، قم، کتابفروشی اسلامی، ۱۴۱۰.
- شهید ثانی (عاملی)، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد پنجم، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰.
- صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، جلد نهم، بیروت، دارالاضواء للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰.
- طاهری، حبیب‌اله، حقوق مدنی خانواده، جلد دوم و سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، جلد سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایه و نکتها، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- عبدالرحمان، محمد، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، جلد اول، قم، نشر رایانه‌ای جامعه فقه اهل‌البيت (علیه‌السلام)، ۱۴۰۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الاحلال و الحرام، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد، کتاب العین، جلد چهارم، قم، هجرت، ۱۴۱۰.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد هفتم، تهران، مرکز کتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲.

- موسوی بجنوردی، آیت اله سید میرزا حسن، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، جامع الشتات فی اجوبه، جلد دوم، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳.
- نراقی، احمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی